



قرآن و قبلہ

(دورانِ نبی و ائمہ، در اتحادِ مسلمین)

محمد رضا حکیمی

www.ketab.ir



الحياة

انتشارات علمی-فرهنگی

قرآن و قبله

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۰)

شماره: ۱۰۰، نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۶۷۵

ISBN 978-600-9171-67-5

نشانی: تهران، شمیران، پهنی، شهرک شهید محلاتی، میدان امام علی (ع)، مجتمع تجاری،
لاله ها، شماره ۷۵. تلفن: ۲۴۶۱۰۰۰۰ - ۰۹۱۲۲۸۳۹۰۰ - ۰۹۱۲۱۳۱۵۵۱۶

www.sabz.com

سرشناسه: حکیمی، محمدرضا، ۱۳۱۴ -
عنوان: نام‌پدیدآور: قرآن و قبله (دورکن یادین، درאתن مسلمین) / محمدرضا حکیمی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات علمی-فرهنگی الحیا، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱۶۷۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: وحدت اسلامی.

موضوع: همبستگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام.

موضوع: استعمارزدایی

رده‌بندی کنگره: ۴۱۳۹۳ ق ۸۴ ح ۵ / BP ۲۳۳

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۵۶۵۶۸

مراکز پخش:

۱ - تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۳۲، دلیل ما، تلفن: ۶۶۴۴۱۴۱-۲۱.

۲ - قم، انتهای خ صفائیه، بعد از کوچه ۳۹، پ ۷۵۹، طبقه ۲، دلیل ما، تلفن: ۳۷۷۴۷۰۰۱-۲۵.

۳ - مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، طبقه اول، دلیل ما، تلفن: ۳۲۴۳۷۱۱۳-۵۱.

فهرست

۹	اشاره
۱۳	مقدمه
۳۳	پیام به انقلابیون جهان
۴۷	اتحاد جماهیر اسلامی
۶۷	عاشورا — عزّه
۱۳۷	استعمارشناسی

امروز در سرزمین های اسلام، یعنی افغانستان، پاکستان، میانمار، بحرین، عربستان، ایران، سوریه، آذربایجان، ترکیه، لبنان، فلسطین و سودان، همه دچار انواع اختلافات و درگیری ها هستند، هر کدام به نوعی و به بهانه ای. اگرچه در ظاهر مابینت چالش های این کشورها، مختلف می نماید، لیکن با اندکی تأمل می توان به پیادگی رد پای دشمنان «قرآن و قبله» را در جای جای این عرصات شنیدنی نمود.

با یک مرور سطحی بر اظهار نظرها، و بعضی سکوت و چشم پوشی خودخواسته سیاستمداران جهانی، و زمامداران سازمان ها و نهادهای بین المللی و... می توان سیاست های استعماری تغییر بخش برای جهان اسلام را پیش بینی نمود. تشدید اختلافات مذهبی و حتی ملیت های عقیده ای (افغانستان، پاکستان، میانمار، سوریه، عراق)، تحریکات ملی (افغانستان، سودان، عراق)، دیکتاتوری و سرکوب مذهبی و سیاسی (بحرین، عربستان، مصر)، تجاوز به تمامیت ارضی (غزه، سوریه) و... آیا صرفا یک کنش خود جوش و هرون زای برخاسته از نیروهای سیاسی اجتماعی است؟ یا دست هایی در کار است، و طرح و نقشه هایی در حال

اجرا؟!

کتاب حاضر، چند مقاله است از استاد محمدرضا حکیمی، که در فرصت‌های گوناگونی نگاشته شده، و بیشتر آنها پیشتر انتشار یافته، و حال با داری تلخیص در این رساله عرضه شده است.

استاد انقلابی، که قلمش مصداق «أَشَدُّ عَلَى الْكُفَّارِ وَرُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است، می‌داند که تا در فرصت‌های گوناگون، به تبیین وضعیت امت اسلامی، در برابر استعمارگران جهانی پردازد، و با نگاهی به دوران طلایی تمدن اسلامی، چراغ ظلمت و جهالت کشورهای غربی، روحیه و شخصیت جامعه‌های اسلامی را زباز کند:

«سرود جهش‌ها»،

«فریاد روزها»،

«دانش مسلمین»،

«بیدارگران اقالیم قبله»،

«سپیده باوران»،

«ادبیات و تعهد در اسلام».

و بسیاری دیگر از مقالات و کتاب‌ها تلاش‌هایی بوده است که این راستا، از «انقلابی تنها» و «بازمانده» پیشین دوران ما.

این کتاب، مشتمل است بر یک مقدمه و چهار مقاله.

مقاله اول، «پیام به انقلابیون جهان» است، که متن پیاده شده سخنان ایشان، در دیدار با فرزندان چه‌گوارا، در منزل استاد، در مهرماه ۱۳۸۶ می‌باشد.

مقاله دوم، «اتحاد جماهیر اسلامی» است که سال‌ها پیش در کتاب «معه‌سازی قرآنی» درج گردیده.

عنوان مقاله سوم، «عاشورا-غزه» است که در سال ۱۳۸۷، و به مناسبت حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه (که مصادف بود با «عاشورا» ی حسینی)، به دست‌نویس گردیده.

و مقاله آخر، «استدلال‌های قرآنی» است که در کتاب «آنجا که خورشید می‌وزد» چاپ شده است.

اکنون نیز، هم‌زمان با حمله رژیم صهیونیستی به فلسطین، و از طرف دیگر، جنگ‌ها و جنایات برخی جریان‌های تکفیری، در سرزمین‌های اسلامی، این چند مقاله در یک کتاب مستقل گردآوری شده است، و استاد حکیمی بر آن مقدمه‌ای جدید نوشته‌اند. و اینهمه برای هشدار دهی به مسلمانان است تا به حکم «قرآن کریم» و اعتقاد قاطع به «قبله اسلامی»، دست از اختلافها و برادرکشی‌ها بردارند. و با عمل به امر قرآنی (واعتصموا بحبل الله...)، و توجه به قبله اسلامی، در برابر دشمنان ناجوانمرد و سفاک اسلام و مسلمانان، و دشمنان قسم‌خورده «قبله» و «قرآن» و «قبله» متحد شوند...

قرآن کریم:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا»^[۱]

«ای مسلمانان!، به ریسمان خدا چنگ زید، و از هم جدا نشوید...».

مجمع البیان می‌گوید: «ریسمان خدا، یعنی: قرآن مجید اسلام. و در حدیث از امام جعفر صادق «ع» آمده است که «حَبْلُ اللَّهِ مَا يَمِينُ»، یعنی: ائمه اهل بیت «ع». و در حدیث دیگر آمده است که بگوییم، هر سه در آیه منظور شده است».^[۲]

۱. «سورة آل عمران» (۳) : ۱۰۳.

۲. «مجمع البیان» ۴۸۲/۲.

پیامبر اکرم «ص»:

«ثَلَاثَةٌ لَا يَغْلُ عَلَيْهِمْ قَلْبُ أَمْرِ مُسْلِمٍ، إِخْلَاصُ
الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالتَّصِيحَةُ لِلْأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَالزُّؤْمُ
لِجَمَاعَتِهِمْ... وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ...»^[۱]

← مسلمان، در مورد سه چیز هیچ کوتاهی نمی‌کند:

[۱] - عمل را خالصانه برای خدا انجام دادن.

[۲] - خرد را حاکمیت اسلامی بودن.

[۳] - حضور در جماعت مسلمین بهم‌رساندن...

مسلمانان باید، از با دشمنان، همه مانند یک

مشت گره کرده باشد (مؤخداً و طرفدار هم...)

۱. «تُحَفُّ الْعُقُولُ» / ۴۳.

پیامبر اکرم «ص» :

«أَيُّهَا النَّاسُ، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، ... فَلَا تَرْجِعَنَّ

كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ...»^[۱]

کس ای مردم مسلمان! مؤمنان با هم برادرند... پس
مباد مانند کفار با هم دشمنی کنید، و یکدیگر را بکشید!

۱. «تُخَفُّ الْعُقُولُ» / ۳۴.

امام علی «ع» :

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَائِينَ... اللَّهُمَّ اخْقِنُ
دِمَاءَهُمْ وَ دِمَاءَنَا، وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَ
اهْدِهِمْ...»^(۱)

(روزی علی «ع»، در جنگ صفین، شنید که برخی از
یارانش، سپاه معاویه فحش می دهند، فرمود)

← من نیست ندارم که شما به دیگران بدگویی و
فحاشی کنید، به جای این بدگویی بگویید:

خداو قدا! جان من آنان را حفظ کن، و ما را
باهم آشتی ده، و آنان را با ما آشتی، تا حق را دریابند...

۱. «نهج البلاغه» / ۶۵۹.

امام علی «ع» :

«... فَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانُوا، حَيْثُ كَانَتْ الْأُمَلَاءُ
مَجْتَمِعَةً، وَ الْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً، وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً، وَ
الْأَيْدِي مُتَرَادِفَةً... فَأَنْظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي
آخِرِ أُمُورِهِمْ، حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَ تَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ،
وَ انْتَبَهَتِ الْكَلِمَةُ وَ الْأَفِيدَةُ، وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَ
تَنَافَرُوا مُتَارِبِينَ...؟!»^[۱]

— با زندگی ما، های پیشین بنگرید، که چگونه
آقا و سرور بودند، تا وقتی که با هم متحد بودند، و
خواسته هاشان هم تنگ و دلباشان بهم نزدیک بود،
و دستهایشان به کمک هم می نشست... و چگونه در
آخر کار واژگون گشتند (و عزت و عظمت خود را از دست
دادند)، یعنی: هنگامی که میانشان حرفه افتاد و روابط
دوستانه شان از هم گسیخت، و نظر هاشان در گون و
دلهاشان از هم جدا گشت، همه با هم مخالف شدند، و
دسته دسته، به جنگ با یکدیگر پرداختند...

۱. «نهج البلاغه» / ۸۰۲ - ۸۰۳.

امام سجّاد «ع» :

«وَأَمَّا حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً، فإِضْمَارُ السَّلَامَةِ،
و نَشْرُ جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَ الزَّفَقِ بِمُسَيِّئِهِمْ، وَ تَأْلُفُهُمْ،
وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ، وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ... فَعَمَّهُمْ جَمِيعاً
بِدَعْوَتِكَ، وَ انْصُرْهُمْ جَمِيعاً بِنُصْرَتِكَ... فَمَنْ أَتَاكَ
تَاهِذَتُهُ بِلُطْفٍ وَ رَحْمَةٍ، وَصَلَ أَخَاكَ بِمَا يَجِبُ لِلْأَخِ
عَلَى أَخِيهِ...»^(۱)

حق هر کس نسبت به طور عموم، این است که
در دل، اسامی آنان را بخواهی، و با بدکاران ایشان
برخوردی مهربانه و مداراگرانه داشته باشی، و با همه
دوست شوی، و از اسامی را امان دهی، و هر کدام
به تو نیکی کردند سپاس بگویی... پس باید همه را
در دعای خویش شریک گردانی و برای خود را از آنان
دریغ مداری... و هر یک به تو مراد بگویند با لطف و
مهربانی به کارشان بررسی، و هر وظیفه ای که برادر در
حق برادر خود دارد، در باره برادران مسلمان خود به
انجام رسانی...

۱. «تُخَفُّ الْعُقُولُ» / ۲۷۱ (چاپ علی اکبر غفّاری): از «رسالة الحقوق».

امام حسن عسکری «ع» :

«أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ، وَ
الاجْتِهَادِ لِلَّهِ، وَصَدَقِ الْحَدِيثَ، وَادَاءِ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ
اِئْتَمَنَكُمْ - مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ - وَطَوَّلِ السُّجُودَ، وَحَسَنِ
الْحَوَا، فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - ...
فَتَوَارَافُوا فِي عَشَائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَعُودُوا
مَرْضَاهُمْ، أَدُّوا حَقَّوْقَهُمْ...»^(۱)

(از توصیه‌ها حضرت امام حسن عسکری «ع» به
شیعه :)

← شما را توصیه می‌کنم :

تقوی داشتن.

پارسا و پاکدامن بودن.

در اطاعت خدا کوشیدن.

راست گفتن.

۱. «تُخَفُّ الْعُقُولُ» / ۴۸۷.

امانت را به صاحبش رساندن، چه آدم خوبی باشد،
چه آدم بد.

سجده‌ها را طولانی کردن (و در سجده با خدای خود
راز دل گفتن، و طلب توفیق و مغفرت کردن).

با همسایگان خوشرفتار بودن... اینهاست دینی که
حضرت محمد «ص» آورده است...

همچنین در نمازهای برادران اهل سنت شرکت
کنید، در تشییع جنازه آنان حاضر شوید، به عیادت
بیاران‌شان بروید، و همه گونه حق و حقوق آنان را ادا
نماید و رعایت نمایید...